

# شرق

تالاب بین‌المللی شادگان مدتی است که تبدیل به محلی برای دیوی زباله شهرستان شادگان و دو شهر تابع آن شده است./ عکس: مهدی پیرام‌خو، تسنیم



### زمین سبز

## هیرمان، کوئین، باران

حال هیرمان خوب نیست اما آن طور که دامپزشک او خبر داده از خطر مرگ نجات پیدا کرده است. هیرمان شیر ایرانی است که اردیبهشت سال ۹۸ از بریتانیا به ایران آمده بود. در حالی که نسل شیرهای ایرانی در ایران منقرض شده بود، هیرمان که پیش از ورود به ایران کامران نام داشت به ایران آمده بود تا بتواند نسل شیر ایرانی را احیا کند. پروزه‌ای که با توجه به حال بد هیرمان در هفته گذشته شاید شکست‌خورده به نظر بیاید. حال بد هیرمان در چند روز گذشته به موضوع داغی در شبکه‌های اجتماعی فارسی هم بدل شده بود و بسیاری درباره او اظهار نظر کردند. یورونیوز در گزارشی از وضعیت هیرمان اظهارات دامپزشک این شیر را منتشر کرده که در آن آمده است: «این شیر دچار عفونت شدید تنفسی شده بود و به نظر می‌رسید که بیماری او از چند ماه پیش آغاز شده است. از دهان و بینی‌اش چرک و خون می‌آمد و به دلیل حالت خفگی، داشت می‌مرد. بعد از بررسی نتیجه آزمایش‌ها، درمان را با دادن داروهای آنتی‌بیوتیک آغاز کردیم و حال حیوان بهتر شد.»

وضعیت هیرمان در کنار انتشار تصاویر و فیلمی از او موجب شد تا تعداد زیادی از دوستداران محیط زیست هم با راه‌اندازی کارزاری به دنبال نجات این حیوان باشند. این کارزار تاکنون و طی چهار روز نزدیک به شش هزار امضا جمع کرده و در آن از عیسی کلانتری درخواست شده هر طور شده با استفاده از ظرفیت‌های موجود، برای نجات این شیر ایرانی تلاش کنند. سپهر سلیمی، مدافع حقوق حیوانات، در گفت‌وگو با ایسنا ضمن انتقاد از این اقدام باغ وحش تهران به ایسنا می‌گوید: احیای شیرها بی هر گونه منقرض‌شده دیگری در اسارت شوخی است چراکه مهم‌ترین موضوع برای بقای گونه وجود زیستگاه است. اگر زیستگاه حیوانی مانند شیر، پلنگ و یوزپلنگ از بین رفته باشد آن گونه در نهایت منقرض می‌شود.

این مدافع حقوق حیوانات در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که اگر قرار است حیوان رو به انقراضی را برای نگهداری در باغ وحش‌ها تکثیر کنیم، نباید برای آن از عبارات احیای نسل استفاده کنیم چراکه احیای نسل هنگامی اتفاق می‌افتد که گونه‌ای در محل زیستگاه اصلی خود و بدون آنکه نیازی به انسان داشته باشد به حیات خود ادامه دهد بنابراین احیای نسل در باغ وحش‌ها بی‌معنی است و باید به آن «زادبولد در باغ وحش‌ها» گفت.

سلیمی ضمن بیان اینکه «استاندارد باغ وحش‌ها» واه‌زای است که توسط کارشناسان و انسان‌ها تعریف شده و براساس آن یک سری حداقل‌ها برای حیوانات در نظر گرفته شده است، به ایسنا می‌گوید: فضایی که بنابر استانداردهای تعریف‌شده بین‌المللی و داخلی برای نگهداری حیوانات تعریف می‌شود، بسیار کوچک‌تر از فضایی است که در طبیعت قلمرو آن گونه به حساب می‌آید. از این رو استانداردهای باغ وحش‌ها از دید حقوق حیوانات یک واژه جعلی است چراکه در استفاده تجاری، کالایی و نمایشی از حیوانات استاندارد معنایی ندارد و آنچه به‌عنوان استاندارد باغ وحش‌ها تعریف می‌شود، یک قرب است. به گفته سلیمی مسئله این است که حتی همین دستورالعمل‌هایی که سازمان حفاظت محیط زیست تحت عنوان استاندارد برای باغ وحش‌ها و مراکز نگهداری از حیوانات کشور تعریف کرده است در ۹۰ درصد از این مراکز اجرا نمی‌شود همچنین سازمان حفاظت محیط زیست نظارت کافی بر عملکرد مراکز نگهداری از حیوانات و وضعیت حیوانات نگهداری‌شده در آنها را ندارد و نبود نظارت نه تنها باعث می‌شود مشکلات زیادی برای حیات وحش پیش آید بلکه موجب می‌شود این مشکلات تکرار و وضعیت نگهداری حیوانات بدتر شود.

این تنها هیرمان نیست که وضعیت نامساعدی در باغ وحش‌های ایران دارد. همین آذر ماه گذشته خبر مرگ «کوئین»، ماده‌سبز سفید باغ وحش ارم منتشر شد. مرگ مشکوکی که علت آن درگیری با ببر بر بیان شد اما یکی از چندین و چند مرگ سریالی حیوانات در باغ وحش‌های ایران است. در سال‌های اخیر انتشار تصاویری از وضعیت نگهداری حیوانات در باغ وحش‌های شهرهای مختلف نگرانی‌های زیادی را در میان دوستداران حیات وحش ایجاد کرده است. وضعیت بغرنج باغ وحش‌های اهواز و بابلسر شاخص‌ترین آنها بودند. اما در کنار این وضعیت هرازگاهی اخبار مرگ‌ومیر حیوانات هم در باغ وحش‌های ایران به گوش می‌رسد. در همین یک سال گذشته حداقل مرگ «کوئین» و بیماری «هیرمان» و وضعیت بغرنج «باران» شامپانزه معروف توجه‌های زیادی را به خود جلب کرده است. جست‌وجویی کوتاه در اخبار نشان می‌دهد که در مرداد ۱۳۹۸ توله‌ببرها در باغ وحش وکیل‌آباد مشهد به طرز مشکوکی جان باختند و در همان سال یک ببر و یک زرافه هم در باغ وحش صادش‌ت جان باختند. اینها مواردی هستند که به رسانه‌ها راه پیدا کردند و معلوم نیست در باغ وحش‌های غیراستاندارد ایران چه تعداد دیگر حیوان تلف شده‌اند که به رسانه‌ها راه پیدا نکرده‌اند.

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۹ ۳ رجب ۱۴۴۲ ۱۵ فوریه ۲۰۲۱

سال هجدهم شماره ۳۹۴۱ ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ ۱۲

اذان صبح فردا ۵:۳۳ ۶ طلوع آفتاب ۵:۷

فardashargh@gmail.com

## روزنامه‌رؤا



### زیر آسمان

## جنگ قدیمی در زمین ولنتاین

پشت‌سرگزداشتن یک ولنتاین دیگر در ایران با اخبار تکراری درباره این روز همراه بود. از اخبار پیش از روز ولنتاین درباره ممنوعیت فروش برخی محصولات در ایران تا اظهارنظرهایی در تئبیح جشن‌گرفتن یک جشن غربی و لزوم پرداختن به یک جشن ملی. همه اینها اما مانع ایجاد بساط‌های فروش گل و شکلات و خرس در سطح خیابان‌ها نشد و همه بساطی‌هایی که روزهای قبل باقالی و لبو هم می‌فروختند حالا آمده بودند تا از اقبال عمومی ابراز عشق مردم استفاده کنند و سهمی از بازار ببرند. این مسئله البته بازار گرانی را هم در ایران شکل داده است.

ایسنا در گزارشی از زنجان بازه قیمتی کادوهای روز ولنتاین را از زبان یک فروشنده چنین بیان می‌کند: «بازه قیمتی خرس‌ها برای روز ولنتاین از حدود ۴۰ هزار تومان شروع می‌شود و در مغازه من گران‌ترین خرس ۶۰۰ هزار تومان قیمت دارد که البته جوانان فقط خرس نمی‌خرند، بلکه جعبه کادو، پولیش و گل رز، شکلات و… سبد خرید آنان را پر می‌کند.»

این در حالی است که فروش کادوهای ولنتاین یک روز بعد از این جشن در بازارهای مجازی همیشه محل شوخی کاربران ایرانی بوده است. این البته موضوعی انکارناشدنی است که آمار فروش خرس‌های غول‌پیکر دست‌دوم در پلتفرم‌هایی مثل دیوار و شیپور یک روز بعد از ولنتاین رشدی صعودی دارد. اما گویا چیزی جلودار این روند مصرفی در روز ولنتاین نیست. حتی فشارهای اقتصادی هم مانع فروش گسترده محصولات این روز نشده و بازار کادوهای ولنتاین در ایران داغ داغ بوده. این در حالی است که مثلا در پاریس آن چنان که روبرتز نوشته است نگرانی‌هایی بابت فروش زیاد گل رز و تأثیر مخرب زیست‌محیطی آن وجود دارد. البته اینکه این نگرانی‌ها تا چه میزان منجر به کاهش خرید این گل‌ها شده هنوز معلوم نیست.

یکی از موضوعات دیگری که در روز ولنتاین به آن پرداخته شده و دیگر دست‌مایه شوخی و طنزهای فضای مجازی شده است، نکوهش رفتار مردم در نپرداختن به جشنی به اسم «سپندار مرگان» است که گویا نقطه مقابل و نسخه ایرانی ولنتاین است. هرساله در آستانه ولنتاین به این نکته پرداخته می‌شود که چرا به جای ولنتاین روز عشق ایرانی جشن گرفته نمی‌شود. سؤالی که البته پاسخش مشخص است اما گویا همچنان عده‌ای علاقه‌مند به پرسیدن آن هستند. جشنی که تا همین یک دهه قبل کسی از وجودش خبر نداشت و فقط سالی یک بار در اواخر بهمن به آن اشاره می‌شد، قرار است جایگزین جشنی جهانی شود که همه دستگاه‌های رسانه‌ای دنیا تبلیغش می‌کنند.

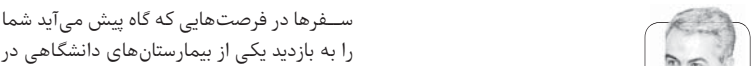
گلناز وطن‌خواه روان‌شناس بالینی با اشاره به اینکه مردم در یک سال گذشته به هر دلیلی به دنبال شادی و نشاط بودند به ایسنا می‌گوید: یکی از دلایل مهم این موضوع شاید کافی‌بودن برنامه‌های شاد در فرهنگمان باشد و به همین مناسبت‌های اندک، توجهی نمی‌شود، به عنوان مثال، همین روز عشق را زمانی اعلام کردیم که سال‌های متوالی ولنتاین در کشور جشن گرفته شد.

در این زمینه نقش رسانه بسیار مهم است و باید به این موضوعات توجه ویژه کرد. در سال‌های اخیر در رسانه‌ها و تلویزیون، مدارس و آموزش و پرورش به دانش‌آموزان آموزش لازم داده نشده است که روزی به نام عشق در تقویم کشورمان وجود دارد تا آن روز را جشن بگیریم و به دلیل فرارسیدن این روز، به یکدیگر هدیه بدیم، بنابراین در آموزش آشنایی با این مناسبت‌ها و توجه به مناسبت‌های تقویمی در کشورمان، ضعف داریم.



### آکادمی

## یک درخواست کوچک از آقای دکتر «قالیباف»



بابک زمانی

دبیر انجمن مغز و اعصاب ایران

دیروز صبح امکان ورود به حیاط بیمارستان را پیدا نکردم. یک جرتقیل بزرگ در حال تبدیل بخشی از پارکینگ کوچک بیمارستان به یک برج کوتاه است. بیمارستان آموزشی ما در قلب تهران از اول کار من هم فضای آزاد به میزان کافی نداشت. کیفیت کار بیمارستان، حضور استادان متعدد در رشته‌های مختلف و فراگیران روزافزون، مسئولین بیمارستان را همواره مجبور می‌کرد از فضاهای باز کاسته و بر فضای بسته بیفزایند؛ در نتیجه بیمارستان کوچک و زیبایی که ۵۰ سال پیش با احتساب فضای سبز و پارکینگ مناسب توسط یک خیر اهدا شده بود، حالا کاملا تغییر شکل داده و دیگر جایی برای تنفس در آن باقی نمانده است. پارکینگ بزرگ شهر هم که در مجاورت بیمارستان قرار دارد بیش از آنکه به کار ترافیک بیاید به محترکان اتومبیل خدمت می‌کند که خدای‌نکرده ماشین‌ها را زودتر از معمول مفت! ندهند. پنج طبقه آن در انحصار ماشین‌هایی است که مدت‌هاست تکان نخورده‌اند. مجبور شدم ماشین را در جایی پارک کنم که برای رسیدن به بیمارستان نیازمند تاکسی بود. وقتی با یک سماعت‌وین تاکسیر به وزیرت

بیماران می‌رفتم از راهروهای تنگ و پرازدحامی در زیرزمین گذشتم که آکنده بودند از بیماران و بیماربران، همراهان بیمار، برانکاردهایی که همه مانعی برای دیگری به شمار می‌رفتند، سرهایی باندپیچ، اندام‌هایی در گچ، بوها و صدهایی که همه و همه فضایی سوررنال را در ذهن متبادر می‌کردند. به‌علاوه منته‌ها و دریل‌ها و چکش‌هایی هم که بغل‌گوش همه ما در حال تبدیل فضای سبز به ساختمان هستند. هیچ‌گاه آرام نمی‌گیرند. اتاق درمانگاه ما اتاق بسیار تنگ و تاریکی است که گنجایش بیش از سه نفر را در شرایط معمول هم ندارد. فاصله‌گذاری کربوا بماند. چهار یا پنج دانشجو، دو دستیار و تعداد متغیری روتیشن و بیمار و همراهان او و البته این حقیر در صورت یکدیگر نفس می‌کشیم و آنچه رونق دارد داد و ستد کووید! چاره‌ای نیست. همه ما جمع می‌شویم، کار می‌کنیم، شوخی می‌کنیم و کمی می‌کوشیم درمان کنیم. آموزش دهم، تحقیق می‌کنیم یا حداقل موادی را برای تحقیق فراهم سازیم. حرفی نیست، وظیفه ماست که در هر حال از هر امکانی در این جهات استفاده کنیم. اما آقای دکتر قالیباف عزیز امیدوارم در یکی از

### یادبود

## درباره «غلامرضا یاسی‌پور» و چالش «چندبعدی‌بودن»

**هوشنگ شرقی**، **معلم ریاضی**

در این زمانه‌ای که به تعبیر خیام عزیز «گرفتار روزگاری هستیم که از اهل علم فقط عده کمی مبتلا به هزاران رنج و زحمت، باقی مانده‌اند» شنیدن خبر تلخ رفتن عزیزان گرانمایه، بر درد‌هایمان می‌افزاید. در هفته‌ای که گذشت، خبر رسید که «غلامرضا یاسی‌پور»، معلم، محقق و نویسنده و مترجم ریاضیات، حافظ‌پژوه و قرآن‌پژوه و مترجم قرآن در دیار غربت، دار فانی را وداع گفته و به دیدار معبود شتافته است. به قول رودکی زانین:
از شمار دو چشم یک تن کم/وز شمار خرد هزاران بیش.
آنچه در گذر بیست‌واندی سال دوستی و همکاری با این استاد فرزانه بیش از همه دستگیرم شد، این خصیصه گرانبهای ایشان بود که بسیار به لزوم چندبعدی‌بودن انسان‌ها و به‌خصوص معلمان ریاضی تاکید داشت و خود فراوان بر آن اهتمام می‌ورزید و زندگی پرتلاشش گواهی آشکار بر این امر بود. در سال‌های دهه ۴۰ معلمی ریاضی را آغاز کرد و در همان سال‌ها به تألیف و ترجمه مقالاتی، بیشتر در باب هندسه، در مجله یکان و تألیف کتاب‌هایی در این زمینه پرداخت و این کار را بعدها در نشریات دیگر، تا آخرین ماه‌های عمر ادامه داد. بعدها به ترجمه و تألیف آثاری در زمینه ریاضی شاد، معماها، سرگرمی‌ها و تفریحات ریاضی دست زد و در عین حال به ترویج آثار ادبی مختلف و گاه بسیار نادر استثنائی، همچون نظم‌درآوردن بخش‌هایی از نهج‌البلاغه، کلام ماندگار مولای متقیان که به او عشق می‌ورزید، پرداخت. هم کتاب شاخص و معتبر «هنر ریاضی‌ورزیدن» از «سرژ لانگ» را ترجمه کرد و هم ترجمه‌ای از قرآن مجید از خود به جا گذاشت و نیز ترجمه‌ای بدیع و نوآورانه از



شایسته انسانی و رها از هر آنچه نامردمی است، بود. روحی سبکیال و فارغ از ذره‌ای تعلق خاطر به نان و نام داشت و متاسی به سفارش دوست خویش، حافظ گران‌قدر بود که:
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود/ ز هر رنگ تعلق پذیرد آزاد است،
با اصحاب میز و کرسی بیگانه بود و درد اهل دل داشت و برای آنان قلم می‌برد. از ریا و نام‌فروشی بیزار بود و با اینکه اهل معرفت و قرآن و حدیث بود، از دین به دنیا‌فروشی مبرا بود. دلی به زلالی اشک چشم (مانند حکایت روزگار خودش، که: یکی داستانی است پر آب چشم) داشت و آکنده از مهر و محبت خلق که سراسر عمر را به خدمت آنان مفتخر بود. سخن آخر از زبان خود او و از متنی که برای ویژه‌نامه‌ای که به مناسبت درگذشت استاد «شهریاری» تدارک می‌دیدیم، برایمان فرستاد، نقل می‌کنم که به نقل از حسین مسروق نوشت:
به سر برد آن خطبه نامدار/ فرود آمد از منبر روزگار.

### تلنگر

## امور اجتماعی را در برنامه هفتم توسعه دریاپییم



سیدحسین موسوی‌چلک

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

● بر اساس سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ برای جامعه ایرانی در حوزه‌های مختلف ویژگی‌هایی مشخص شده و قرار بود تحقق همه ویژگی‌های پیش‌بینی‌شده در این سند در چهار برنامه پنج‌ساله توسعه عملیاتی شود که تاکنون سه برنامه اجرا شده و برنامه هفتم توسعه آخرین برنامه در راستای تحقق مؤلفه‌های سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ است که در آن مقرر شده بود تا جامعه ایران جامعه‌ای توسعه‌یافته، برخوردار از نهاد مستحکم خانواده، برخوردار از سلامت، رفاه و تأمین اجتماعی، امنیت عمومی و قضائی و… شود. تأملی بر وضعیت اجتماعی کشور نشان می‌دهد که با وجود همه تلاش‌های انجام‌شده که بابت آنها سیاست‌گذاری هم می‌کنم، ولی حال حوزه اجتماعی ایران بهتر نشده و تقریبا بسیاری از این ویژگی‌های تعیین‌شده در سند و سایر اسناد بالادستی تحقق پیدا نکرده، بلکه بدتر هم شده است. لذا برنامه‌های توسعه چهارم، پنجم و ششم در بخش اجتماعی تأثیر چندانی در ارتقای سلامت روانی- اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرائم و تحکیم نهاد خانواده نداشته است. ثبت ۲۰ طلاق در هر ساعت، کاهش آمار ازدواج (با وجود افزایش جمعیت در سن ازدواج)، آمار بالای افراد دارای سوء مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، آمار قابل توجه پرونده‌های قضائی، افزایش خشونت‌های مختلف اجتماعی و خانگی کم‌شهودترشدن مظاهر فساد اخلاقی (مفاسد اخلاقی) و… خود گویای همین نکته است که حال حوزه اجتماعی خوب نشده است و اتفاقا باید نگران این شرایط باشیم. به همین منظور انجمن مددکاران اجتماعی ایران با همکاری دستگاه‌های مختلف در قوای مختلف و دانشگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط غیردولتی و انجمن‌های مختلف ملی در حوزه‌های صنفی و علمی و… کنفرانس آنلاین ملی امور اجتماعی در برنامه هفتم توسعه را برگزار می‌کند. اقدامی که در برنامه ششم توسعه هم با همین عنوان انجام شده بود. با توجه به شناختی که از همین عنوان اجتماعی کشور داریم و اطلاعاتی که به دست آوردیم محورهای مختلفی را برای برنامه هفتم توسعه تعیین کردیم که در نهایت در این کنفرانس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. محورهایی از قبیل: سلامت روانی و اجتماعی، سرمایه اجتماعی، فقر، محرومیت و عدالت اجتماعی، امنیت عمومی و اجتماعی، مدیریت شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی و محلات ناکارآمد شهری، حمایت اجتماعی، توان بخشی، سالمندی، رسانه و فضای مجازی، آسیب‌های اجتماعی، مواد مخدر و روان‌گردان‌ها، الکل، تعاون، رفاه و تأمین اجتماعی، جمعیت و مسائل مرتبط با خانواده، مدیریت بحران در بلایا و سوانح طبیعی و غیرطبیعی و… از جمله محورهای مورد انتظار در برنامه هفتم توسعه هستند که کم‌توجهی یا بی‌توجهی به آنها می‌تواند پیامدهای ناگواری در حوزه اجتماعی داشته باشد. حوزه اجتماعی همین الان از حال خوب و خوش فاصله دارد. لذا ضروری است همه حوزه‌ها از جمله مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، قوه قضائیه، نیروی انتظامی، ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست‌جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزارتخانه‌های تعاون، کار، رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، ارتباطات و فناوری اطلاعات، بنیاد شهید و امور ایثارگران، کمیته امداد، سازمان بهزیستی و دانشگاه‌های علوم اجتماعی، روان‌شناسی، حقوق و جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، جمعیت‌شناسی، ارتباطات اجتماعی و همین‌طور انجمن‌های صنفی و علمی برای بیان دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود در زمینه محورهای تعیین‌شده یا محورهای دیگر تمهیداتی اتخاذ کنند تا قبل از تدوین برنامه این دیدگاه‌ها و پیشنهادها در اختیار تدوین‌کنندگان لایحه قانون برنامه هفتم قرار گیرد. این کنفرانس که روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۲۸ و ۲۹ بهمن سال جاری برگزار می‌شود با مشارکت علمی حدود ۱۱۰ نفر از مسئولان ذی‌ربط و استادان و صاحب‌نظران به صورت آنلاین برگزار می‌شود که ورود برای همه آزاد است.

### اتفاق

## اتاق خشم

● **یورونیوز** در یک ساختمان اداری کوچک در خارج از لس آنجلس، صدای پتک‌هایی که روی پرینترها، کامپیوترها و تلویزیون‌های قدیمی یا میزهای چوبی کوبیده می‌شود، به گوش می‌رسد. ابتکاری که هر روز مشتريان زيادی را به خود جذب می‌کند. مشتريانی که می‌خواهند به این روش با خالی‌کردن خشم خود، اضطراب و نگرانی‌هایشان کاهش یابد. این اتاق خشم در سال ۲۰۱۹ افتتاح شد تا درمانی برای کاهش استرس ارائه کند و شیوع ویروس کرونا باعث رونق آن شده است. البته از این اتاق آکنون در کشورهای متعددی نظیر چین و… نیز ساخته شده و مورد استقبال قرار گرفته است.